



نگرانی دنبالم گشته بودند. یک کتک مفصل هم خوردم (می خندد). یعنی می خواهم بگویم از کلاس اول ابتدایی عاشق سینما و بازیگری بودم.

۴] گویا در سال های اخیر در حوزه فعالیت های اجتماعی و کارهای خیریه هم خیلی فعال هستید.

پیش آمده که من سال تحویل را کنار خانواده نبوده ام و اوقاتم را با کودکان بهزیستی یا سالمندان گذرانده ام. چند ماه پیش هم که سیل آمده بود برای کمک به مناطق سیل زده رفتم. در تئاترهای که برای کودکان محروم اجرا می شود هم مشارکت دارم.

۴] شما در سریال های خاطره انگیز زیادی بازی داشته اید. کدام یک از این سریال ها بیشتر مورد پسند خودتان است؟

سریال پلیس جوان را خیلی دوست دارم. به علت بازی در این سریال از سوی رئیس وقت سازمان صداوسیما تقدیر شدم. بازیگران جوان خیلی خوبی مثل شهاب حسینی و مریلا زارعی هم در این سریال بازی می کردند. اشک های زیادی در سر این سریال ریختم. پلیس جوان سریال خیلی جذاب و دلنشینی بود.

۴] کدام نقش تان را در این سریال ها بیشتر دوست دارید؟

نقشم در سریال مردان آنجلس را خیلی دوست دارم. نقش همسر امپراتور را بازی می کردم. می دانید بازیگری کلا عشق می خواهد. گاهی که تدریس می کنم به هنرجویانم می گویم: «بازیگری فقط عشق است. آینده ای ندارد.»

۴] چرا معمولاً نقش های تان در فیلم ها و سریال ها کوتاه بوده، مثل همان سریال آرایشگاه زیبا که فقط در سکانس عقدکنان و در قالب نقش خواهر عروس حضور داشتید؟

نقشم در سریال آرایشگاه زیبا خیلی کم بود. البته نقش هایم در بعضی از سریال ها کوتاه بود و نه همه شان. الان خودم به نوشتن روی آورده ام و سه فیلمنامه هم نوشته ام که امیدوارم قسمت بشود و خودم آنها را بسازم. از بازیگری خسته شده ام.

۴] وقتی مردم شما را در کوچه و خیابان می بینند معمولاً کدام نقش تان را به یاد دارند؟

متولدان سال ۹۰ به بعد کمتر ما را می شناسند. زمان پرکاری ما نبودند اما دهه شصتی ها خوب ما را به یاد می آورند. معمولاً مرا با پوشش چادر و مقنعه و تیپ معلم که در برنامه «سیمای مدرسه» بازی می کردم به خاطر دارند.

۴] خانم خاکپاش، آیا به آنچه که در بازیگری می خواستید و فکر می کردید حق تان بوده است، رسیده اید؟

نه، اصلاً. نقشی را که همیشه دوست داشتم ایفا کنم هنوز بازی نکرده ام.

۴] شما در مسیر بازیگری تان با کارگردانان معروفی مثل پریسا بخت آور، سیروس مقدم، محمد مهدی عسگریور و... همکاری داشته اید. کارگردانی بوده که دوست داشته باشید با او همکاری کنید اما هنوز فرصت و موقعیتش فراهم نشده باشد؟

علاوه بر آنهایی که گفتید با کارگردانان خوب دیگری مثل خسرو ملکان، مرحوم فرج... سلحشور و جمال شورجه هم همکاری داشته ام. با این حال دوست داشتم با کارگردانان دیگری هم کار کنم که موقعیتش جور نشد. الان هم که خیلی از مسائل در بازیگری به روابط برمی گردد و دیگر اصلاً امیدی ندارم.

۴] چند سال پیش عکس هایی با چهره و استایل جدید از شما در فضای مجازی منتشر شد که خیلی سر و صدا به پا کرد. ماجرا چه بود؟

همان عکس ها باعث شد که حسابی چشم بخورم (می خندد). این عکس ها را در کنار عکس های قدیمی ام گذاشته بودند و می گفتند همای جدید و همای قدیم. آن زمان خبرنگاران خیلی با من تماس گرفتند. می گفتند از پایه کوبیدی و از نو ساخته ای؟ در حالی که من حتی از آمبول زدن هم می ترسم. هیچ جراحی و کار خاصی نکرده بودم. فقط چهره پردازم خیلی کاربلد و حرفه ای بود.

۴] آیا پس از انتشار آن عکس ها تغییری در پیشنهادهای بازیگری تان اتفاق افتاد؟ مثلاً پیشنهاد بیشتری داشتید؟

در بازیگری ام بی تأثیر نبود. به هر حال خیلی ها فکر می کردند پیر شده ام اما وقتی عکس ها را دیدند، نظرشان عوض شد.

۴] خودتان مخاطب تلویزیون هستید؟

شبکه آی فیلم را خیلی تماشا می کنم و تشکر هم دارم از این شبکه که خاطرات ما را زنده می کند. سریال هایی مثل خط قرمز، مردان آنجلس، زیر آسمان شهر و پلیس جوان را از آی فیلم دیده ام.

خاطره بازی با هما خاکپاش به بهانه حضور پرسابقه اش در سریال های تلویزیونی

بازیگری فقط عشق است



زهراصلواتی

روزنامه نگار

هما خاکپاش ازجمله بازیگران قدیمی و پیشکسوت تلویزیون است که بازی های او را در سریال های خاطره انگیزی مانند آینه عبرت، آرایشگاه زیبا، تعطیلات نوروزی، این خانه دور است، خاله سارا، همسران، آخرین ستاره شب، مردان آنجلس، روزهای زندگی، پلیس جوان، او یک فرشته بود، نرگس و... به یاد می آوریم. خاکپاش از زمان آغاز فعالیتش در عرصه بازیگری با آینه عبرت تا به امروز در سریال های زیادی جلوی دوربین رفته و به ایفای نقش پرداخته است؛ نقش هایی که البته همه شان طولانی و پرنرگ نبوده اند و شاید به علت کوتاه بودن، به یاد آوردن شان به آسانی میسر نباشد. این بازیگر قدیمی که این روزها به نسبت گذشته کم کار شده است، در این گفت و گو از روزهایی یاد می کند که سرش حسابی شلوغ بوده و به طور همزمان در دو سه پروژه بازی داشته است. خاکپاش همچنین گلایه می کند از فراموش شدن و بیکاری بازیگران قدیمی و مشکلاتی که برای تامین زندگی دارند. او معتقد است که بدون عشق نمی توان بازیگر شد و هنر باید در ذات و وجود انسان باشد. سریال تب سرد با بازی او این روزها از آی فیلم پخش می شود.



۴] در سال های اخیر خیلی کم کار شده اید. دلیل خاصی دارد؟

یک زمانی ما خیلی پرکار و پرانرژی بودیم. گاهی همزمان چند پیشنهاد برای بازیگری داشتیم و سر چند پروژه می رفتیم. خودم شغل های دیگری هم داشتم اما عشق به بازیگری باعث شد که همه را فدا کنم. متأسفانه یک رکود عجیبی در کار بازیگران قدیمی افتاده است و اکثر اوقات بیکار هستیم. آن زمان فکر می کردیم که سینما و تلویزیون همیشه ادامه دارد. اصلاً استراحتی نداشتیم. از سر این پروژه به سر کار دیگری می رفتیم. من همزمان با بازی در سریال مردان آنجلس در دو کار دیگر هم حضور داشتم. گاهی خودم هم یادم نمی آید که فلان فیلم یا سریال را چه زمانی کار کرده بودم! یعنی این قدر سرمان شلوغ بود. آن زمان در بیشتر سریال ها بازی می کردم؛ سریال های فوق العاده جذابی هم بودند، به ویژه سریال های برنامه خانواده که ظهرها پخش می شد. چقدر این سریال ها بیننده داشت. یادم می آید اوایل کار بعضی از بازیگران نمی آمدند سریال های خانواده اما بعد که دیدند ما کار را راه انداختیم و مردم هم استقبال می کنند، شروع کردند به بازی در این سریال ها. خیلی زحمت کشیدیم و کار کردیم. عمر و جوانی مان را برای این کار گذاشتیم اما متأسفانه الان کسی از ما یادی نمی کند. کسی نمی پرسد این هنرمندان قدیمی چطور گذران زندگی می کنند؟ کجا زندگی می کنند؟ من علاوه بر بازیگری، شش شغل دیگر هم داشتم، از خیاطی و آرایشگری بگیر تا صنایع دستی و مربی ورزش. اگر همان شغل ها را ادامه داده بودم شاید الان سه تا مغازه برای خودم داشتم اما به عشق بازیگری همه را رها کردم. بازیگری آخر و عاقبت ندارد.

۴] در حال حاضر و با وجود کم کاری از چه طریق امرار معاش می کنید؟

کار تبلیغاتی می کنم. گاهی هم پیشنهاد بازی دارم اما جالب توجه نیست. بالاخره بعد از ۳۰ سال کار کردن که نمی شود با حداقل دستمزد فعالیت داشت.



یادم می آید اوایل کار

بعضی از بازیگران

نمی آمدند سریال های

خانواده اما بعد که

دیدند ما کار را راه

انداختیم و مردم هم

استقبال می کنند،

شروع کردند به بازی در

این سریال ها

۴] چه شد که وارد کار بازیگری شدید؟

من کارم را ابتدا از رادیو شروع کردم. در برنامه هایی مثل قصه شب فعالیت داشتم. بعد آمدم شبکه دو با برنامه «بیکار نمی توان نشست». چون در حوزه صنایع دستی فعال بودم در این برنامه آموزش می دادم. مثلاً در سریال آرایشگاه زیبا از صنایع دستی ساخته دست من استفاده شد، مثلاً آن پرده های دستباف و آویزهای اتاق عقد کار من بود. دیگر آرام آرام وارد کار بازیگری شدم. البته قبلش دوره آموزش گریم را پیش استاد جلال معیریان دیده بودم و در دو فیلم سینمایی هم کار گریم انجام دادم اما بعد آن قدر درگیر بازیگری شدم که کار گریم را کنار گذاشتم. برای بازیگری آموزش ندیدم. هنر ذاتی است و باید از کودکی در خون انسان باشد. ۶-۷ ساله که بودم، یک روز رفته بودیم دماوند. پدرم دکتر دامپزشک بود و به علت شغلش زیاد به دماوند رفت و آمد داشت. یکی از فیلم های مرحوم ارحام صدر را آورده بودند در میدان اصلی شهر نمایش دهند. من از ساعت ۵ بعد از ظهر رفتم و در میدان نشستم تا فیلم شروع شود. حالا از آن طرف، پدر و مادرم که فکر می کردند گم شده ام، دنبالم می گشتند. فاصله خانه تا میدان هم خیلی زیاد بود. ساعت ۹ شب بود که دیدم یکی مرا از پشت سر گرفت. پدر و مادرم بودند. با